

# سالمندان را آزار می دهند؛ چگونه شکایت کنم؟

Photo: budabar/depositphotos.com

موسی برزین، وکیل خانه امن

**سوال:**

سلام!

من تا چند ماه قبل در یک خانه سالمندان کار می کردم و متأسفانه شاهد اتفاق های خیلی بدی بودم. چند نفر از کارکنان آن مرکز با سالمندان رفتار خیلی بدی داشتند و مرتباً آنها را تحقیر می کردند. حتی پیش خودشان آنها را مسخره می کردند و می خندیدند. یا اینکه بعضی هایشان که خودشان نمی توانستند به توالت بروند را ساعت ها به سرویس بهداشتی نمی بردند و در خیلی موارد این سالمندان در تختشان ادرار می کردند.

چند بار شاهد ضرب و جرح این سالمندان به دست کارکنان بودم. البته فقط سه نفر این طور بودند و بقیه خیلی خوب رفتار می کردند که یکی از این سه نفر هم به دلیل بد رفتاری از مرکز اخراج شد. مثلاً یادم است که داروهای یک سالمند را ساعت ها ندادند و این سالمند تشنج کرد. به خصوص با سالمندانی که بی کس و کار بودند خیلی بد رفتاری می کردند.

[عضو کانال تلگرام خانه امن بشوید.](#)

من و بعضی همکارها هم چند بار به مدیر گفته بودیم اما مدیر چندان توجهی نمی کرد و می گفت مدرک بیاورید. بعدها من یک کار جدید پیدا کردم و از آنجا بیرون آمدم. چند وقت پیش یکی از دوستانم را دیدم که ایشان گفت باز هم بد رفتاری شده و ایشان یک فیلمی هم گرفته اند که نشان می دهد یکی از کارکنان به یک سالمندی فحش می دهد و او را روی تخت پرتاب می کند و می گوید که اگر آدم بودید بچه هایتان شما را ول نمی کردند!

خلاصه دوستم به من پیشنهاد داد که برویم شکایت کنیم و گفت چون او هنوز کارمند آنجاست، من اقدام کنم.

می خواستم از شما راهنمایی بخواهم که از کجا باید شروع کنیم و چه طور شکایت کنیم؟

**جواب:**

سلام!

قبل از شکایت یا اعلام جرم بهتر است فرزندان آن سالمند و دیگر سالمندانی که مورد بد رفتاری قرار گرفته اند را پیدا کنید و با آنها صحبت کنید. به هر حال ممکن است فرزندان راحت تر بتوانند اقدام قضایی کنند.

اگر چنین امری مقدور نشد بهتر است یک گزارش از وقایعی که دیده اید، همراه فیلم تهیه کرده و آن را به سازمان بهزیستی بدهید چون مراکز نگهداری سالمندان از بهزیستی مجوز می گیرند.

بهتر است شفاها هم با مدیران مربوط در سازمان بهزیستی صحبت کنید. سازمان بهزیستی خود موظف است اقدامات لازم را انجام دهد.

برای شکایت کیفری اما عرض شود اگر مساله صرفاً توهین و تحقیر و ضرب و جرح است، شما فقط می توانید مساله را به دادستان گزارش دهید. یعنی چون در این موارد نیاز به شکایت شاکی خصوصی یا وکیل اوست، با شکایت اشخاص دیگر موضوع رسیدگی نمی شود. اما به هر حال می توانید گزارش خود را به دادستان بدهید.

**سوال:**

آیا در این مورد می توانیم از وکیل معاضدتی استفاده کنیم؟

**جواب:**

همان‌طور که توضیح دادم چون شما سمتی در این قضیه ندارید، اگر وکیل هم بگیرید ایشان هم نهایتاً می‌تواند گزارش بدهد. اما سالمندانی که مورد خشونت قرار گرفته‌اند، صلاحیت شکایت و دادن وکالت دارند. بنابراین بهترین کاری که شما می‌توانید انجام دهید مراجعه به سازمان بهزیستی و گزارش تخلف و همچنین ارسال گزارش به دادستانی است.

### سوال:

خب اگر گزارش بدهم ترتیب اثر داده می‌شود و آیا این کارکنان متخلف مجازات می‌شوند؟

### جواب:

در مورد گزارش به بهزیستی که قطعاً با مرکز برخورد شده و امکان جریمه یا تعلیق پروانه وجود دارد. امکان اخراج کارکنان خشونت‌گر از مرکز هم وجود دارد.

در مورد مجازات کیفری عرض شود اگر سالمندان زیان دیده شکایت کنند، مساله وارد اثبات کردن می‌شود و این فیلمی که دوست شما دارد، می‌تواند کمک کند اما چون برای ضرب و جرح مدارک زیادی وجود ندارد، ممکن است ضرب و جرح اثبات نشود.

مسائل دیگر همچون ندادن دارو هم بسیار سخت قابل اثبات است. با وجود این، به هر حال راهکار حقوقی باید تا آخر طی شود و اگر این راهکارها جواب ندهد، می‌توانید فیلمی را که دارید در رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی منتشر کنید تا توجه افکار عمومی به این مساله جلب شود. یعنی لزومی هم ندارد بعد شکایت این فیلم پخش شود و هم‌اکنون نیز انتشار آن خالی از فایده نخواهد بود.

بیشتر بخوانید:

[شوهرم می‌خواهد از مهریه فرار کند](#)

[اعتیاد برادر؛ پدرم را چگونه به کمک کردن واداریم؟](#)

[سوء معاشرت زوج: راه نجات چیست؟](#)

پیشنهاد دیگر ما این است که مساله را به سازمان‌های مردم‌نهادی که مرتبط با سالمندان هستند گزارش دهید.

بر اساس ماده ۶۶ قانون آیین دادرسی کیفری، «سازمان‌های مردم‌نهادی که اساس‌نامه آنها در زمینه حمایت از اطفال و نوجوانان، زنان، اشخاص بیمار و دارای ناتوانی جسمی یا ذهنی، محیط زیست، منابع طبیعی، میراث فرهنگی، بهداشت عمومی و حمایت از حقوق شهروندی است، می‌توانند نسبت به جرائم ارتكابی در زمینه‌های فوق اعلام جرم کنند و در تمام مراحل دادرسی شرکت کنند.»

به هر حال در سطح کشور سازمان‌های زیادی هستند که زمینه فعالیت آنها سالمندان یا مبارزه با خشونت است. این سازمان‌ها طبعاً امکانات بیشتری دارند و بهتر می‌توانند مساله را پیگیری کنند.

### سوال:

با وضعیتی که شما توضیح دادید به نظر می‌رسد قوانین خاصی در مورد سالمندان وجود ندارد. یعنی برای سالمندان هم باید تشریفات قضایی را طی کرد؟

### جواب:

بله! متأسفانه چنین است.

حقوق ایران در مورد خشونت علیه افراد ناتوان از جمله سالمندان مقررات ویژه‌ای پیش‌بینی نکرده است. خشونت علیه سالمند در قالب مقررات عمومی بررسی می‌شود و این در حالی است که سیاست‌گذاری کیفری اقتضا می‌کند برای پیشگیری از خشونت علیه ناتوانان مقررات ویژه و سخت‌گیرانه‌تری پیش‌بینی شود.

از آنجا که سالمند معمولاً فردی است ناتوان در دفاع از خود و نسبت به دیگران بالقوه راحت‌تر مورد سوء استفاده قرار می‌گیرد، لازم است مجازات مرتکبین خشونت نسبت به سالمند، به طور خاص مورد نظر قرار گرفته و ساز و کار حقوقی متناسبی برای رسیدگی به پرونده‌های خشونت علیه سالمندان پیش‌بینی شود.

# !ای، پولت را هم بده عمرت را که داده

Photo: dimaberkut/depositphotos.com

معین خزائلی

خشونت اقتصادی که به عنوان استثمار اقتصادی یا سوء استفاده اقتصادی نیز شناخته می‌شود، پس از خشونت کلامی و روانی از شایع‌ترین خشونت‌های خانگی علیه سالمندان بوده و به دلیل وجهه پنهانش عواقب مخرب بیشتر و امکان کشف کمتری دارد.

از منظر بین‌المللی این نوع از خشونت علیه سالمندان بسیار فراگیر بوده و بسیاری از کشورها با ایجاد سازمان‌ها و موسسه‌های ویژه و تبیین قوانین مخصوص سعی در حمایت از افراد سالمند در برابر این نوع از خشونت خانگی کرده‌اند.

تنها در آمریکا بنا بر گزارش‌های موسسه ملی حمایت از بزرگسالان در ایالات متحده، از هر ۹ سالمند یک نفر به نوعی در طول دوران سالخوردگی خود خشونت و استثمار اقتصادی را تجربه می‌کند.

موضوع خشونت اقتصادی علیه سالمندان در ایران متأسفانه به دلیل عدم وجود آمار روشن در این زمینه و نیز خلاءهای قانونی بسیار و همچنین عدم وجود سازمان یا موسسه‌ای دولتی و غیردولتی (مربوط به آن)، مورد بی‌توجهی و بی‌مهری فعالان مدنی، کنشگران و نیز وکلای دادگستری و حقوقدانان قرار گرفته و با وجود شواهد بسیار مبنی بر گسترده‌گی آن در ایران، هنوز جدی گرفته نشده است.

## خشونت اقتصادی علیه سالمندان چیست؟

به طور کلی هر گونه اعمال فشار مالی بر فرد سالمند از جمله در مضیقه قرار دادن او یا عدم رفع نیاز مالی در صورت بضاعت و همچنین سلب استقلال مالی و اقتصادی فرد سالمند از طریق دخالت نابه‌جا در مسائل مالی شخصی او و نیز هر گونه استفاده بدون اجازه و رضایت از اموال و دارایی‌های فرد سالمند، به عنوان خشونت اقتصادی شناخته می‌شود.

از این منظر خشونت، سوء استفاده و استثمار اقتصادی فرد سالمند ممکن است به صورت عمدی و با قصد و هدف قبلی یا به صورت کاملاً غیر عمدی و صرفاً به دلیل افکار و عقاید غلط یا اشتباه سهوی در انجام وظیفه صورت گیرد.

در سوء استفاده و استثمار اقتصادی غیر عمد آنچه که پایه این خشونت را شکل می‌دهد وجود تفکری است که بر اساس آن فرد سالمند و سالخورده ناتوان از درک اوضاع اقتصادی روز تشخیص داده شده و از این رو اجازه تصمیم‌گیری در مورد وضعیت اقتصادی خود و به ویژه اموال شخصی‌اش از او گرفته می‌شود.

در حقیقت آنچه در این نوع از خشونت اقتصادی هدف قرار می‌گیرد استقلال مالی و اقتصادی فرد سالمند برای تصمیم‌گیری در مورد اموال و دارایی‌های خود و در نتیجه وابسته شدن او به فرد استثمارکننده است؛ هر چند آزارگر عمدی در رفتار خود مبنی بر آزار یا سوء استفاده از فرد سالمند نداشته باشد.

از معمول‌ترین موارد خشونت غیر عمد اقتصادی علیه سالمندان، مسدود سازی امکان دسترسی به حساب بانکی شخصی و نیز مسدود سازی امکان تصمیم‌گیری در مورد املاک و اموال غیر منقول است به نحوی که اختیار هر گونه دخل و تصرف در اموال و دارایی‌ها به طور کامل از فرد سالخورده سلب می‌شود و تحت نفوذ مطلق فرد آزارگر قرار می‌گیرد.

همچنین استفاده نادرست از اموال فرد سالمندی که به هر دلیل اختیار اموالش تحت اختیار فرد دیگری گذارده شده (مانند خرید وسایل و اموال غیر ضروری و گران یا تحمیل بار مالی نابه‌جا بر دوش سالمند)، اگر آگاهانه و از روی قصد نباشد، از جمله موارد رایج خشونت غیر عمد اقتصادی علیه سالمندان است.

از طرف دیگر سوء استفاده و استثمار عمدی سالمندان بیشتر در بین سالمندانی که مبتلا به بیماری‌های مربوط به اختلال حواس و حافظه هستند، دیده می‌شود. البته این بدان معنی نیست که سالمندان غیر مبتلا از خشونت اقتصادی عمدی در امان می‌مانند. به عنوان مثال سالمندانی که تنها زندگی کرده و برای تامین نیازهای روزانه خود به دیگران وابسته هستند نیز از جمله قربانیان معمول سوء استفاده عمدی اقتصادی خواهند بود.

## کودک همسری، داستان یک جنایت

### زنان دارای معلولیت، قربانیان سکوت قانون در ایران

### سالمندان؛ قربانیان پنهان خشونت خانگی

قرض کردن پول از دیگران به اسم سالمند بدون اطلاع او، قرض کردن پول از سالمند و پس ندادن آن، تحمیل مخارج زندگی بر دوش سالمند بدون رضایت او، استفاده و تصاحب بدون اجازه و رضایت حقوق ماهانه، پول، وسایل منزل و املاک سالمند، عدم تامین نیازهای مالی فرد سالمند در صورت استطاعت مالی، اعمال فشار روحی و روانی بر سالمند به منظور متقاعد کردن او در هزینه کردن دارایی خود در یک زمینه به خصوص مانند فشار بر او در امضای دسته چک شخصی، اعمال فشار بر فرد سالمند مبنی بر نوشتن وصیت نامه یا وکالت نامه علی‌رغم میل باطنی، تلاش برای فریب سالمند در راستای منافع دیگران و علیه منفعت شخصی مثلاً به منظور عقد یک قرارداد مالی، کلاهبرداری، خیانت در امانت، تقلب در ارائه صورت حساب‌های مالی به فرد سالمند به منظور دریافت وجه بیشتر و...، از جمله شایع‌ترین موارد خشونت اقتصادی عمدی علیه سالمندان هستند.

سالمندان از آنجا که ممکن است دچار اختلال حواس، بی‌حوصلگی یا اعتماد بیش از حد به افراد باشند، معمولاً اهداف مناسبی برای سوء استفاده و استثمار اقتصادی‌اند. ضمن اینکه اساساً ممکن است به دلیل کهولت سن در مواردی که پی به نیت آزارگر و استثمار کننده می‌برند، در برابر او واکنشی نشان ندهند. در مواردی هم که فرد آزارگر از افراد نزدیک به سالمند است، آنان به دلایلی مانند وابستگی به او یا حفظ آبروی خود و خانواده، معمولاً از ایستادگی یا اقدام قانونی علیه او خودداری می‌کنند.

از سوی دیگر با توجه به پیشرفت تکنولوژی در زمینه امور بانکی، سالمندان ممکن است به راحتی بازیچه تقلب و سوء استفاده فرد استثمار کننده شوند. به علاوه افراد سالمند، به ویژه آنها که تنها زندگی می‌کنند، به طور معمول نیاز به کمک دیگران داشته و از این رو ممکن است به طور خواسته یا ناخواسته هدف استثمار اقتصادی آنها قرار گیرند.

از آنجا که اساساً ذات و ماهیت خشونت اقتصادی تمامیت‌خواهانه و بر پایه قدرت‌طلبی و کنترل مطلق یک رابطه است، خروج از چنین رابطه معیوبی برای افراد جوان‌تر قربانی خشونت اقتصادی مشکل است؛ چه رسد به آنکه قربانی، سالمند باشد.

اما خشونت اقتصادی علیه سالمندان علاوه بر وابسته کردن قربانی به آزارگر اثرات مخربی بر احساسات و نیز کرامت و اعتماد به نفس فرد قربانی گذارده و او را از نظر روانی آزرده و حساس می‌کند به نحوی که فرد قربانی ممکن است دچار حس ترس و عدم امنیت دائمی شده و به افسردگی حاد دچار شود.

ضمن اینکه به طور معمول فرد آزارگر یا استثمار کننده در این نوع از خشونت علیه سالمندان از نزدیک‌ترین افراد به او هستند به طوری که در ۰۹ درصد موارد، فرد سالمند قربانی این نوع خشونت از سوی اعضای نزدیک خانواده خود (فرزندان یا نزدیکان قابل اعتماد) است و آنان از او سوء استفاده مالی می‌کنند.

### **چه باید کرد؟**

خشونت و سوء استفاده اقتصادی از سالمندان در برخی کشورها به صورت جداگانه و مشخص جرم‌انگاری شده و قوانین مدون و معینی در مورد آن وجود دارد. ضمن اینکه در این کشورها سازمان‌ها و موسساتی متشکل از کمیته‌های دولتی یا غیر دولتی به طور ویژه در این زمینه فعال هستند و هدف آنها حمایت از سالمندان در برابر انواع خشونت از جمله خشونت اقتصادی است.

در ایران تنها به جز در یک مورد (زمانی که فرزندان فرد سالمند از تامین نیازهای مالی او در صورت استطاعت مالی سر باز می‌زنند)، قوانین موضوعه هیچ اشاره‌ای به حقوق اقتصادی سالمندان یا اعمال مجرمانه احتمالی علیه آنان (در موارد خشونت اقتصادی خانگی) نکرده‌اند.

بر این اساس تنها تامین مالی والدین سالخورده بر اساس ماده ۶۹۱۱ قانون مدنی بر عهده فرزندان گذارده شده و ترمذ از اجرای آن در صورت داشتن توانایی مالی بنا بر ماده ۳۵ قانون حمایت از خانواده، جرم‌انگاری شده است.

این عدم پرداختن به موضوع خشونت اقتصادی علیه سالمندان در قوانین موضوعه ایران در حالی است که عدم تامین نیاز مالی از سوی فرزندان تنها بخش کوچکی از موارد خشونت اقتصادی علیه سالمندان را تشکیل داده و دایره خشونت‌های اعمال شده بسیار بیشتر از آن است.

به عنوان مثال در زمینه تلاش برای فریفتن سالمند از طریق ارائه اسناد یا فاکتورهای دروغین، قوانین ایران هیچ قانون مجزا و مشخصی برای زمانی که قربانی فردی سالمند است، ندارد؛ اگرچه در صورت شکایت فرد سالمند یا شخص دیگری به نمایندگی از او می‌توان با استناد به مواد فصل پنجم قانون تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده قانون مجازات اسلامی مصوب ۲۹۳۱ حق ضایع شده فرد سالمند را باز پس گرفت.

[اگر تاکنون عضو کانال تلگرام خانه امن نشده‌اید، کلیک کنید.](#)

همچنین در موارد استفاده یا تصاحب دارایی‌ها و املاک فرد سالخورده، قوانین کلی قانون تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده در مورد خیانت در امانت (مواد ۳۷۶ و ۴۷۶) و نیز قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء، اختلاس و کلاهبرداری (به ویژه ماده یک) می‌تواند برای استیفای حق سالمند مورد استفاده قرار گیرد. ضمن اینکه مواد ۸۶۶ و ۹۶۶ قانون تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده در موارد اجبار یا اکراه فرد سالخورده به انجام عملی مالی، می‌توانند مورد استناد قرار گیرند.

در عین حال اما در تمامی این موارد بار حقوقی اثبات جرم همچنان بر عهده مدعی (فرد سالمند) است که با توجه به شرایط او غیر عادلانه و غیر منطقی به نظر می‌رسد، چرا که به طور معمول احتمال فریفته شدن فرد سالمند یا تحت اجبار و اکراه قرار گرفتن او یا مورد خیانت واقع شدن او با توجه به شرایط کهولت سن و اضمحلال قوه درک و تحلیل از دیگران بیشتر بوده و از این رو نمی‌توان با توجه به استنادات عقلی و منطقی عادی، با این موضوع برخورد کرد.

به این ترتیب برای حمایت از حقوق مالی و اقتصادی سالمندان در این موارد به قوانین حمایتی مشخص و ویژه نیاز است و جای خالی این قوانین در شرایط امروز ایران به شدت احساس می‌شود. موضوعی که نیاز بیشتر به فعالیت کنشگران، فعالان مدنی و حقوقی را بیش از پیش نمایان می‌سازد.

با وجود این اما در شرایط فعلی استفاده از /استناد به قوانین اشاره شده فوق در صورت شناسایی موارد خشونت خانگی اقتصادی علیه سالمندان - به ویژه استفاده از ماده ۶۹۵ قانون تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده - می‌تواند مسکنی برای این خلاء قانونی باشد. (۱)

#### -پانویس:

۱. ماده ۶۹۵ قانون تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده: «هر کس با استفاده از ضعف نفس شخصی یا هوی و هوس او یا حوایج شخصی افراد غیر رشید به ضرر او نوشته یا سندی اعم از تجاری یا غیرتجاری از قبیل برات، سفته، چک، حواله، قبض و مفاصاحساب یا هر گونه نوشته‌ای که موجب التزام وی یا براثت ذمه گیرنده سندی یا هر شخص دیگر می‌شود، به هر نحو تحصیل نماید، علاوه بر جبران خسارات مالی به حبس از شش ماه تا دو سال و از یک میلیون تا ۰۱ میلیون ریال جزای نقدی محکوم می‌شود و اگر مرتکب، ولایت یا وصایت یا قیمومت بر آن شخص داشته باشد مجازات او علاوه بر جبران خسارات مالی از سه تا هفت سال حبس خواهد بود.»

## سالمندان؛ قربانیان پنهان خشونت خانگی

Photo: michaeljung/depositphotos.com

معین خزائلی

هر گاه سخن از خشونت خانگی به میان می‌آید، قریب به اتفاق افراد جامعه تنها زنان و کودکان را قربانیان این خشونت دانسته و از این رو غالب تلاش‌ها نیز به آگاهی‌بخشی و جلوگیری از قربانی شدن این دو قشر معطوف می‌شود. این در حالی است که بر اساس گزارش‌ها، در سال‌های اخیر و با افزایش جمعیت سالمندان در جهان، خشونت خانگی علیه آنان پس از خشونت خانگی علیه زنان و کودکان در جایگاه سوم خشونت‌های خانگی شایع قرار گرفته است.

همچنین با توجه به آمارهای سازمان بهداشت جهانی مبنی بر افزایش چشمگیر جمعیت سالمندان در آینده و رسیدن تعداد آنان به نزدیک به دو میلیارد نفر در سال ۰۵۰۲، خشونت خانگی علیه آنان احتمالاً به مراتب بیشتر و گسترده‌تر خواهد شد.

در ایران نیز بر اساس [آمارهای رسمی](#) تا کمتر از ۰۱ سال دیگر جمعیت سالمندان به بیش از ۵۱ میلیون نفر خواهد رسید.

بر این اساس سالمندی که به طور معمول از سن ۶۰ یا ۵۶ سالگی شروع می‌شود، خود به دلیل محدودیت‌هایی که به همراه دارد، از جمله کاهش توانایی جسمی و ذهنی و نیز کاهش استقلال فرد و نیاز مداوم او به دیگران، سبب افزایش دامنه خشونت علیه سالمند و در نتیجه آسیب‌پذیری بیشتر او در برابر خشونت خواهد شد. ضمن اینکه سالمندان به طور کلی بیشتر در معرض خشونت‌های اجتماعی همانند «قدری» قرار داشته و در موارد بسیاری قربانی این فشارهای فیزیکی و روانی هستند که در نتیجه کهنوت سن بر آنان عارض می‌شود.

از این رو حمایت قانونی و حقوقی از این قشر در برابر انواع خشونت‌های احتمالی در جامعه، به ویژه خشونت خانگی از ضروریات دنیای امروز به شمار می‌رود.

## سالمند آزاری یا خشونت علیه سالمندان چیست؟

بنا بر تعریفی که سازمان بهداشت جهانی در سال ۲۰۰۲ از سالمند آزاری یا همان خشونت علیه سالمندان ارائه داده است، هر عمل یا اقدامی که در برگرنده آسیب علیه یک فرد سالمند باشد، سالمند آزاری محسوب می‌شود.

از این رو هر فعل یا ترک فعلی را که به نحوی سبب آسیب جسمی و روحی فرد سالمند شود یا به نوعی ناراحتی او یا سلب آسایش و آرامشش شود، می‌توان به عنوان سالمند آزاری برشمرد.

ضرب و شتم، برخورد فیزیکی سخت، عدم توجه به ضعف‌های جسمی فرد سالمند و در نتیجه برخورد فیزیکی با او همانند یک فرد معمولی، هل دادن، عدم توجه و رسیدگی به موقع به نیازهای درمانی او و نیز خودداری از دادن کمک‌های مورد نیاز جسمی به فرد سالمند مانند کمک برای برخاستن یا نشستن یا در دسترس قرار ندادن وسایل کمکی مانند «واکر»، از معمول‌ترین خشونت‌های جسمی علیه سالمندان است.

این خشونت‌های خانگی به قدری شایع هستند که بر اساس گزارش‌ها بیشترین موارد وقوع آنها سهوی بوده و اطرافیان و نزدیکان فرد سالمند نه از روی قصد و غرض بلکه به دلیل بی‌توجهی، کم‌اهمیتی یا غفلت به انجام آنها دست می‌زنند. این در حالی است که در عمل، نتیجه این بی‌دقتی چیزی جز آزار سالمند نیست.

از همین نویسنده بیشتر بخوانید:

[فانتری‌های جنسی و خشونت خانگی](#)

[کودک بد سرپرست و خشونت خانگی](#)

[خشونت خانگی و الزام وجود قانون کیفری مستقل](#)

از طرف دیگر در موارد بسیاری این بی‌توجهی خود نشان از خشونت عمدی روانی داشته و نشانگر آزار روانی و روحی سالمند است.

در این نوع از خشونت، فرد سالمند مورد بی‌مهری، بی‌توجهی، بد رفتاری و در مواردی سوء استفاده عاطفی قرار گرفته و روح و روان او هدف آماج حمله‌هایی قرار می‌گیرد که تحمل آنها برای یک فرد جوان یا میانسال نیز غیرممکن است.

توهین، تحقیر، بی‌احترامی و بی‌حرمتی، کنترل ارتباطات اجتماعی فرد سالمند یا جلوگیری از آنها و نیز کوچک‌انگاری از دیگر موارد خشونت روانی علیه سالمندان هستند.

در این میان تمسخر و استهزاء فرد سالمند به ویژه در جمع‌های خانوادگی و در مقابل دیگران آن هم به دلایلی مانند عدم کنترل بر ادرار یا مدفوع، فراموشی یا تحلیل قدرت تکلم درست از شایع‌ترین مصادیق خشونت خانگی روحی و روانی علیه سالمندان است. مواردی که به مرور زمان سبب القای حس بی‌مصرفی، سرباری و خفیف‌انگاری شده و به ویژه در مواردی که فرد سالمند با بیماری دست و پنجه نرم می‌کند، باعث بی‌انگیزگی او در مبارزه با بیماری خواهد شد.

## علیه سالمند فقیر، علیه سالمند ثروتمند

اعمال خشونت مالی و اقتصادی به ویژه علیه سالمندانی که یا به شدت دچار فقر مالی بوده یا به شدت ثروتمند هستند نیز از مصادیق شایع سالمند آزاری بوده که در مواردی حتی به قتل فرد سالمند منجر شده است.

در شرایط فقر مالی، فرد سالمند به همین دلیل از سوی اعضای خانواده خود طرد شده یا مورد بی‌توجهی قرار می‌گیرد. در مواردی دارایی اندک خود او نیز توسط نزدیکان غارت یا کنترل شده و در نتیجه فرد سالمند بهره‌ای از آن نمی‌برد.

در مقابل سالمندانی نیز که دارای تمکن مالی هستند از خشونت در امان نمانده و به دلیل انگیزه‌های مالی از سوی اطرافیان خود، به ویژه فرزندان یا پرستار خانگی خود مورد خشونت قرار می‌گیرند. این خشونت‌ها به حدی است که یکی از دلایل اصلی قتل سالمندان را معمولاً انگیزه‌های مالی اطرافیان آنها برای تصاحب اموالشان می‌دانند.

## آزار جنسی سالمندان

آزار جنسی نیز اگرچه در مقایسه با دیگر انواع خشونت‌ها ممکن است موارد وقوع کمتری داشته باشد، اما با توجه به آسیبی که هم از منظر جسمی و هم از منظر روحی برای فرد سالمند در بردارد، از مصادیق مهم سالمند آزاری محسوب شده و ضرورت مقابله با آن به ویژه در مورد زنان سالمند وجود دارد.

از این رو روشن است که دامنه سالمند آزاری و به تبع آن مصادیق عملی آن به ویژه خشونت خانگی بسیار گسترده بوده و محدود کردن آن به تعاریفی بسته، سبب نادیده گرفته شدن خشونت علیه سالمندان و در نتیجه افزایش این خشونت‌های علیه آنان خواهد شد.

## سالمند آزاری در ایران

بر اساس [مطالعات](#) انجام شده در ایران، علی‌رغم وجود و لزوم احترام به سالمندان در فرهنگ این کشور، در سال‌های اخیر پدیده سالمند آزاری افزایش چشمگیری داشته به نحوی که از میانگین جهانی آن نیز بیشتر شده است.

بر این مبنا در حالی که میانگین جهانی افزایش خشونت علیه سالمندان در سال‌های اخیر بین شش تا هفت درصد رشد داشته، در ایران این معضل رشدی ۰۱ درصدی داشته است.

همچنین نتایج [پژوهشی](#) که در سال ۷۸۳۱ در تهران انجام شده نشان می‌دهد نزدیک به ۸۸ درصد از سالمندان در این کلان‌شهر به نوعی در دوران کهنسالی خود نوعی از خشونت خانگی را تجربه کرده‌اند.

بر این اساس خشونت روانی به ویژه تحقیر، توهین و سوء رفتار عاطفی از بیشترین آزارهایی بوده که سالمندان در این پژوهش با آن روبه‌رو بوده‌اند.

بی توجهی و غفلت نیز دیگر آزاری بوده که موارد شیوع آن در بین سالمندان این پژوهش فراوان دیده شده است.

## حمایت قانونی از سالمندان؛ چرا و چگونه؟

در میان قربانیان خشونت خانگی، سالمندان از جمله قربانیان پنهان و خاموش محسوب شده و در عمل موارد بسیار اندکی از آزار علیه سالمندان گزارش می‌شود.

سالمندان قربانی خشونت خانگی به ویژه در مواردی که فرد آزارگر از بستگان نزدیک (مثلاً فرزند) قربانی باشد، به دلایلی از جمله ترس و مراعات به خاطر جلوگیری از ایجاد مشکل یا دردسر برای خانواده، تلاش برای حفظ آبرو و حرمت خانواده یا به دلایل عاطفی، خود اقدام به ابراز ناراحتی‌های ناشی از این خشونت نکرده و در نتیجه تا پایان عمر خود این خشونت را تحمل می‌کنند.

از طرف دیگر عدم آموزش‌های لازم و عدم آشنایی با حقوقی که امروزه در جهان به عنوان حقوق اولیه و ذاتی سالمندان شناخته می‌شود و مهم‌تر از آنها، نبود قوانین حمایتی، سبب شده که در تعدادی از کشورها از جمله ایران، سالمندان خود را در مقابل خشونت خانگی تنها یافته و در نتیجه اقدام به سرکوب کردن خود کنند. در نتیجه فرد سالمند مدام خشونت را که علیه او اعمال می‌شود توجیه کرده و به نوعی خود را مستحق آن می‌داند.

در چنین شرایطی است که لزوم حمایت‌های مدنی و قانونی از سالمندان به ویژه در برابر خشونت‌های پنهان جامعه به مانند خشونت خانگی توسط نزدیکان بیش از پیش احساس شده و جامعه جهانی را بر آن داشته تا با به رسمیت شناختن این موضوع و تاکید بر احقاق حقوق سالمندان، اول اکتبر هر سال را به عنوان «روز جهانی سالمند» نامگذاری کند.

[اگر تاکنون عضو کانال تلگرام خانه امن نشده‌اید، کلیک کنید.](#)

جامعه جهانی به ویژه سامان ملل متحد، با تصویب چندین سند بین‌المللی اقدام به شناسایی رسمی پدیده سالمند آزاری کرده و در همین راستا روزی (۵۱ ژوئن) را نیز به عنوان روز جهانی آگاهی‌بخشی در مورد سالمند آزاری در نظر گرفته است.

در ایران اما قوانین موضوعه کشور در زمینه حمایت از حقوق سالمندان موضع‌گیری مشخصی نداشته و به ویژه در موارد خشونت علیه آنان دچار خلاء است. اگرچه قوانین کلی مجازات‌ها در موارد توهین یا ضرب و جرح در موضوع خشونت علیه سالمندان نیز قابل حمل است،

اما این قوانین کلی برای حمایت از سالمندان در برابر خشونت به ویژه از نوع روانی آن، کافی نیستند و تنها در زمینه خشونت مالی است که قانون ایران به پیروی از فقه شیعه وظیفه سرپرستی اقتصادی والدین کهنسال را بر اساس ماده ۶۹۱۱ بر عهده فرزندان گذاشته است.

همچنین بنا بر ماده ۳۵ قانون حمایت از خانواده، استنکاف از دادن نفقه به افراد واجب‌النفقه (از جمله والدین سالمند) جرم محسوب شده و در صورت شکایت، فرد خاطی به الزام به پرداخت نفقه و نیز حبس تعزیری محکوم خواهد شد.

در مقام عمل اما این قانون نیز کفاف خشونت اعمال شده علیه سالمندان به ویژه خشونت مالی را نداده و آنچه روشن است این است که نیاز به قوانین حمایتی در این حوزه به شدت احساس می‌شود.

در این زمینه، بهره‌گیری از فعالیت‌های کنشگران مدنی و حقوقی به ویژه در حمایت از حقوق سالمندان نقشی است که کمتر در میان فعالان مدنی ایران دیده شده و از این رو آگاهی‌بخشی به کنشگران برای تمرکز بر این موضوع خود از جمله ضروریات است.

از طرف دیگر اعمال فشارهای لازم به دستگاه‌های قانون‌گذار و دولتی برای تصویب قوانین و آیین‌نامه‌های حمایتی نیاز به فعالیت این کنشگران داشته و در نتیجه تشویق کنشگران به ایفای نقش پررنگ‌تر در این موضوع خود سبب هموارتر شدن مسیر تصویب قوانین خواهد شد.

همچنین استفاده از تجربه کشورها و نظام‌های حقوقی‌ای که پیشتر اقدام به قانونگذاری در این زمینه کرده‌اند و روایت آنها، می‌تواند کمک شایانی به ترسیم نیازهای حقوقی سالمندان به ویژه در برابر خشونت کند.

## وحشت روزهای پیری

Photo: teamplay/bigstockphoto.com

موسی برزین

### حمایت از سالمندان در اسناد بین‌المللی و حقوق داخلی

به مناسبت 1 اکتبر روز جهانی سالمندان

یکی از نمونه‌های خشونت خانگی را می‌توان خشونت علیه سالمندان دانست. گرچه به روشنی نمی‌توان گفت که خشونت به سالمندان در خانواده بیشتر از خشونت علیه سایرین است، اما بی‌تردید می‌توان گفت سالخورده‌گان بیشتر در معرض خشونت قرار دارند و خشونت آسیب بیشتری به آن‌ها می‌زند.

خشونت خانگی علیه سالمندان موردهای مختلفی را در بر می‌گیرد از جمله ترک سالمند از سوی فرزند، ضرب و جرح، توهین، تهدید، تمسخر، محدود کردن ارتباط با دیگران، تامین نکردن هزینه زندگی سالمند، بی‌توجهی به وضعیت بهداشت و سلامتی و جلوگیری از درمان. این خشونت‌ها سالمند را منزوی کرده و موجب اضطراب او می‌شود. نتایج یک تحقیق در دانشگاه تهران نشان می‌دهد که 87 درصد از سالمندان ایرانی در طول دوره سالمندی خود حداقل یک بار مورد خشونت و آزار و اذیت قرار گرفته‌اند.

سالمندان به دلیل ضعف جسمی، روانی و بیماری توانایی انجام بسیاری از کارهای روزمره خود را ندارند. همین امر آنها را آسیب‌پذیر می‌کند. این آسیب‌پذیری زمانی بیشتر می‌شود که حمایت‌های اجتماعی از سالمندان ضعیف باشد. در این صورت سالمند برای گذران زندگی نیازمند دیگران خواهد شد و به همین دلیل در معرض خشونت قرار می‌گیرد. از این رو باید سازو کارهایی برای پیش‌گیری از خشونت علیه سالمندان و حمایت از آن‌ها پیش‌بینی شود.

### تلاش‌های بین‌المللی برای سالمندان

در مورد بازپروری و توان‌بخشی سالمندان و همچنین مبارزه با سالمند آزاری تلاش‌هایی در جامعه بین‌المللی صورت گرفته است. از جمله اولین تلاش‌های بین‌المللی تصویب قطع‌نامه شماره 2599 در سال 1969، قطع‌نامه 2842 در سال 1972 و قطع‌نامه 3137 در سال

1973 است. سال 1982 نیز سندی با عنوان: «برنامه اقدام بین‌المللی در باره سالمندی» به تصویب رسید. در تمامی این اسناد سالمند و سالمندآزاری مورد توجه قرار گرفته است. (1)

مهم‌ترین سند بین‌المللی در مورد سالمندان در 16 دسامبر 1991 با عنوان «اصول ملل متحد برای برای سالمندان» در مجمع عمومی سازمان ملل به تصویب رسید. این سند از جمله سندهای بین‌المللی غیر الزام‌آور است. در این سند به دولت‌ها توصیه‌هایی در مورد حمایت از سالمندان شده است. این توصیه‌ها شامل مراقبت از سالمندان، خوراک و پوشاک، درمان، کارآموزی و آموزشی، اشتغال، امنیت، کرامت انسانی، سرپناه، حقوق بنیادین و ... است.

از دیگر تلاش‌های بین‌المللی برای حمایت از سالمندان نام‌گذاری سال 1999 به نام سال بین‌المللی سالمندان است. در این سال برنامه‌هایی برای حمایت از سالمندان به‌ویژه مبارزه با سالمند آزاری انجام شد. همچنین سازمان ملل هر سال روز پانزدهم جون را روز بین‌المللی مبارزه با خشونت علیه سالمندان و اول اکتبر را روز جهانی سالمندان نام‌گذاری کرده است. سازمان ملل سال ۲۸۹۱ شورا جهانی سالمندی را تشکیل داد و در همان سال طرحی را برای تعیین یک روز جهانی برای سالمندان ارائه داد تا اینکه در سال ۰۹۹۱ این شورا اول اکتبر را روز جهانی سالمندان تعیین کرد. این تلاش‌ها خود نشانگر این است که سالمندان همواره در معرض آسیب بوده و نیاز به حمایت دارند و حمایت قانونی یکی از مهم‌ترین حمایت‌ها می‌تواند باشد.

## حقوق ایران

در حقوق ایران قانون خاصی درباره خشونت علیه سالمندان نداریم. برخی از انواع سالمند آزاری در قالب مقررات کلی جرم‌انگاری شده است. به عنوان مثال ضرب و جرح سالمند یا توهین به وی در قالب مواد قانون مجازات اسلامی جرم بوده و فرقی بین سالمند و غیر سالمند ندارد. فقط در مواردی وضعیت جسمی سالمند در جنایات مورد توجه قرار گرفته است. (بند پ ماده 290 قانون مجازات اسلامی) همچنین تدابیر پیش‌گیرانه و حمایت از قربانیان سالمند خشونت خانگی در قوانین ایران وجود ندارد. در این زمینه گرچه برخی تلاش‌های قانونی در این زمینه شده است، اما این تلاش‌ها تا کنون عملی نشده است. به عنوان مثال در قانون سوم توسعه به رسیدگی به وضعیت سالمندان تاکید شده است. در این راستا ماده 22 آیین‌نامه اجرایی جزء (5) بند (الف) ماده (192) این قانون اشاره کرده که: «به منظور پیشگیری از اعمال خشونت علیه افراد سالمند در خانواده و جامعه ضروری است دستگاه‌های ذی‌ربط ضمن پیشنهاد و جلب حمایت‌های قانونی اقدامات لازم را انجام دهند.» با این وجود اقدام خاصی انجام نشد و حالا هم به دلیل پایان یافتن مدت اعتبار قانون برنامه سوم دیگر جایگاهی در حقوق ندارد.

با این وجود در برخی از مقررات، سالمندان به صورت محدود مورد توجه قرار گرفته‌اند. اصل بیست و یکم قانون اساسی دولت را موظف به ایجاد بیمه خاص برای زنان سالخورده کرده و اصل 29 برخورداری از تامین اجتماعی از نظر بازنشستگی و پیری را حق همگانی دانسته است. بدون شک برخورداری از خدمات اجتماعی رایگان و بهره‌مند شدن از درمان رایگان و همچنین مستمری، تا حد قابل توجهی سالمند را مستقل کرده و مجبور نخواهد کرد که برای گذران زندگی خشونت‌های دیگران را تحمل کند. به عبارتی یکی از مهم‌ترین عوامل بازدارنده سالمند آزاری، استقلال اقتصادی سالمند است. اگر ساز و کارهایی پیش‌بینی شود که بر اساس آن سالمند درآمد کافی داشته و برای تامین هزینه‌های زندگی نیازمند فرزندان یا دیگران نباشد، بخشی از سالمند آزاری در جامعه برچیده خواهد شد.

از دیگر مواردی که مورد توجه قانون‌گذار ایران قرار گرفته، جرم‌انگاری ترک نفقه سالمند است. بر اساس قانون مدنی ایران، پدر یا مادر از افراد واجب‌النفقه هستند و اولاد موظف هستند که در صورت ناتوانی آنها هزینه‌هایشان را پرداخت کنند. بر طبق ماده 53 قانون حمایت از خانواده، چنانچه فردی با داشتن توانایی مالی نفقه را پرداخت نکند، مجرم بوده و با شکایت شاکی تحت تعقیب قرار می‌گیرد. این جرم‌انگاری شاید موظفین به پرداخت نفقه را از ترک وظیفه بازدارد، گرچه در بسیاری از موارد والدین از فرزندان خود به دلیل ترک نفقه شکایت نمی‌کنند. بنابراین این ماده در عمل نتوانسته با خشونت اقتصادی فرزندان علیه والدین سالخورده مقابله کند.

از دیگر اقدامات حمایتی ایجاد مکان‌هایی مناسب با شان سالمندان برای زندگی آنها است. به هر حال در سال‌های اخیر با رشد شهرنشینی و تغییر در فرهنگ، تعداد سالمندانی که توسط فرزندان به خانه سالمندان سپرده می‌شوند رو به افزایش است. خشونت خانگی زمانی رخ داده و تکرار می‌شود که قربانی مجبور به زندگی در کنار خشونت‌گر باشد. اگر خانواده یک سالمند راضی به نگهداری از عضو سالمند خانواده نباشد، این وظیفه را باید دولت به عهده بگیرد. به همین دلیل لازم است مراکز مناسبی با هزینه دولت برای نگهداری از سالمندانی که به نوعی در خانه از طرف اعضای خانواده مورد بدرفتاری قرار می‌گیرند ایجاد شود.

.....

1- سالمند آزاری و کیفر آن در نظام عدالت کیفری ایران در پرتو اسناد سازمان ملل متحد- حسن حاجی تبار فیروز جانی- فصلنامه مطالعات پیشگیری از جرم- شماره 20 پاییز- 1390 صفحه 81

## به دوستش گفت من باغبان خانه‌شان هستم

فریده موسوی

تابه حال چندبار به هر دلیلی صدایتان را روی پدر و مادر و یا مادرزرگ و پدرزرگان بلند کرده‌اید؟ چندبار با آن‌ها قهر کرده و یا با بی‌توجهی و بی‌میلی جواب آن‌ها را داده‌اید؟ صدای‌تان کرده‌اند جواب نداده‌اید و خودتان را به آن راه زده‌اید و یا برای تلفظ نادرست یک کلمه آن‌ها مسخره کرده‌اید؟

ما درباره خشونت فیزیکی علیه سالمندان حرف نمی‌زنیم هر چند که متأسفانه در موارد مختلفی اتفاق می‌افتد و سالمندان از ترس از دست دادن محبت فرزندان و یا قضاوت مردم نسبت به اولادشان سکوت می‌کنند و حرف نمی‌زنند. ما با شما درباره نگاه‌ها، نیشخندها، غفلت و کم‌توجهی و محدودیت مالی و انواع و اقسام رفتارهایی حرف می‌زنیم که جایش کبود نمی‌شود اما در دل می‌ماند.

پای صحبت مرضیه خانم می‌نشینم که ۴۸ ساله است و در پنجاه سالگی همسرش را از دست داد و به‌قول خودش از همان زمان شده «سالمند».

بعد از چله آن خدا بیامرز پسرها و دخترها جمع شدند و تصمیم گرفتند خانه پدری‌شان را بفروشند و خانه کوچک‌تری برای من اجاره کنند و هر کدام سهم الارث خود را بردارند. من پنج فرزند دارم که وقتی پدرشان عمرش را داد به شما فکر کردند من عقلم به هیچ چیز نمی‌رسد، از من یک سوال نکردند که مادر ما سهم‌مان را می‌خواهیم حالا نظر شما چیست. آن‌ها جمع شدند و به جای گفتن واقعیت هر کدام یک جور دل برای من سوزاندند ولی من خوب می‌دانستم آن‌ها مال پدری‌شان را می‌خواهند و حق‌شان هم بود ولی من را خر فرض کردند. نامه‌های جوراجور دادند تا من امضا کنم و من هم رویم نمی‌شد نه بگویم و امضا می‌کردم.

با سهم الارث من یک خانه رهن کردند و قالی و قالیچه‌هایی را که در طول سال‌ها زندگی جمع کرده بودم بردند و چند تکه‌ای هم برای من گذاشتند. یک جفت چراغ‌شاه عباسی و چند تابلو فرش و پستی کرک و پشم داشتم که گفتم این‌ها را نمی‌دهم و این‌ها مال خود من است. هر کدام‌شان یک جور پشت چشم نازک کردند ولی وقتی دختر بزرگم گفت وا مادر بابا این‌ها را برای خانواده خریده بوده و ما باید از پدرمان یادگاری داشته باشیم انگار یکی جگرم را آتش زد.

در تمام این سال‌ها حقوق بازنشستگی پدرشان را حساب کتاب می‌کنند. ماهی یک‌بار تلفن نمی‌زنند. چشم‌شان فقط به دو تا تیکه‌پاره ارث پدرشان بود. خودشان را عقل کل می‌دانند و من را هیچ به حساب نمی‌آورند. عروس و داماد هم که می‌گیرند من را هم مثل غریبه‌ها دعوت می‌کنند و خوش‌شان نمی‌آید آن‌ها را به خانه من بیاورند.

### خشونت روانی علیه سالمندان رواج دارد

خشونت علیه سالمند طیف وسیعی دارد ولی خشونت روانی بیش از دیگر اشکال خشونت علیه آن‌ها رواج دارد. جالب این است تا دهه ۸۰ میلادی به این موضوع توجه نشده و تحقیقاتی صورت نگرفته بود. در این دهه بود که دانشمندان پی بردند در بعضی خانواده‌ها، سالمندان مورد خشونت فرزندان خود قرار می‌گیرند. خشونت علیه سالمندان شامل مواردی از قبیل بدرفتاری‌های جنسی، بدرفتاری‌های جسمی، بی‌توجهی به احتیاجات عاطفی، بی‌توجهی به تغذیه، بهداشت و از بین بردن وسایل مورد علاقه و مورد نیاز آنان است. هر چند که در بسیاری از موارد سالمندان به خاطر دارایی و یا موارد دیگر مورد ضرب و جرح و قتل قرار می‌گیرند.

امروزه هنگامی که بحث خشونت در خانواده مطرح می‌شود اکثر اندیشمندان و صاحب‌نظران علوم اجتماعی، زنان و کودکان را قربانیان اصلی خشونت در خانواده تلقی کرده و از سالمندان کمتر یاد می‌کنند در حالیکه آن‌ها نیز در زمره قربانیان خشونت خانگی هستند. در واقع می‌توان گفت این مورد نیز همانند سایر مسائل سالمندی مورد غفلت قرار گرفته است.

### اشکال خشونت روانی علیه سالمندان

بی‌احترامی لفظی مداوم، اذیت و آزار، تهدیدهای متداول مانند دوست نداشتن سالمند، موردپسند نبودن، دشنام دادن، تمسخر و استهزاء سالمند در جمع، ممنوعیت برقراری ارتباط با دیگران، بی‌توجهی نسبت به نیازهای جسمانی، اجتماعی و روانی سالمند، همه خشونت‌های روانی‌ای هستند که سلامت روانی سالمند را به مخاطره می‌اندازند و موجب بروز احساساتی چون بی‌میلی به زندگی، سرزنش خود، نداشتن

اعتماد به نفس و نگرش مثبت، احساس یأس و ناامیدی و درماندگی، ترس از مردم، اضطراب، احساس گناه، احساس حقارت، احساس عدم شایستگی و خودارزشمندی و نهایتاً کناره‌گیری سالمند می‌شوند.

در مواردی نیز که خشونت بین اعضای دیگر خانواده رخ می‌دهد، احساس فضای رعب و وحشت را در خانه حاکم کرده و شاهد بودن همین خشونت در خانه توسط سالمندان و کودکان می‌تواند خود تجربه‌ای از خشونت در خانه تلقی شود. متأسفانه بعضی از سالمندان برای رهایی از خشونت، خودکشی را به‌عنوان آخرین راه دانسته و اقدام به خودکشی می‌کنند.

## خشونت و سه روایت

ناصر پدر ۵۶ ساله‌ای است که از داد زدن فرزندش روی هر موضوع ساده‌ای بسیار ناراحت است. ناصر می‌گوید: «دختر کوچکم مرتب به من و مادرش می‌گوید شما برای من کاری نکردید. ما هم مثل همه پدر و مادرها هر کاری از دست‌مان برمی‌آمد کردیم. با این‌که زندگی متوسطی داشتیم هر سه فرزند را مدرسه خصوصی گذاشتیم و دانشگاه و کلاس‌های آموزشی ولی یک کلمه اگر از او سوال کنیم شروع به داد زدن می‌کند و هر چیزی دهنش بیاید می‌گوید.»

فاطمه که مادر شهید نیز است می‌گوید پسرم جلوی مردم طوری برخورد می‌کند انگار من دروغ‌گوهستم و یا بی‌عرضه. مرتب نقاط ضعفم را به رخم می‌کشد. من لیسانس دارم ولی با کامپیوتر نمی‌توانم کار کنم و او سرکوفت می‌زند و چون خارج از ایران هستیم و همه چیز اینجا با کامپیوتر انجام می‌شود کنترل مالی من را در دست گرفته و با اینکه من شاغلم و او بیکار، جرات ندارم برای خودم یک وسیله‌ای بخرم و برای همه چیز باید اجازه بگیرم.

مریم ۵۰ ساله نیز می‌گوید: «من ۰۱ سال است که شوهرم را از دست داده‌ام و جرات ازدواج ندارم. بچه‌ها من را تهدید کرده‌اند که در صورت ازدواج ارتباطشان را با من قطع می‌کنند چون آبروی آن‌ها می‌رود. بچه‌هایی که اگر من مریض شوم یک لیوان آب دست من نمی‌دهند ولی هزار جور توقع از من دارند. فکر نکنم آن‌ها من را دوست داشته باشند. چند وقتی مجبور شدم با دامادم زندگی کنم و دعوای دامادم روی اعصاب من تاثیر بدی می‌گذارد و فشار خونم را بالا می‌برد. اگر چاره داشتم می‌رفتم خودم را جایی گم‌وگور می‌کردم.»

## قانونی برای خشونت علیه سالمندان نداریم

در همین رابطه محمدعلی جداری فروغی، وکیل دادگستری در پاسخ به این‌که آیا از نظر حقوقی خشونت علیه سالمندان جرم محسوب می‌شود، می‌گوید: «خشونت علیه سالمندان مورد قانونی ندارد و طبق قوانین جرایم دیگر مورد رسیدگی قرار می‌گیرد.»

جداری فروغی با اشاره به سهل‌انگاری در نگهداری از سالمندان می‌گوید: «این عمل زمانی می‌تواند باعث مسئولیت کیفری شود که نشان‌دهنده قصد فرد مبنی بر عمل مجرمانه باشد و در صورتی که از روی سهو و اشتباه اتفاق افتاده باشد نمی‌تواند به‌عنوان جرم مورد بررسی قرار گیرد. همچنین در اکثر جوامع متمدنی افراد سالمند پس از سنین بازنشستگی تحت پوشش خدمات درمانی رایگان و نیز بیمه‌های مختلف قرار می‌گیرند و خدماتی مانند استفاده از اتوبوس برای‌شان رایگان است. حتی خانه سالمندان در این کشورها رایگان و بدون دریافت وجه است. مثلاً در خانه‌ای که جوان در آن زندگی می‌کند اگر پیرمرد و پیرزن احساس آرامش نداشته باشند با میل خود می‌توانند به خانه سالمندان رفته و در آنجا زندگی کنند. اما نه تنها چنین شرایطی در کشور ما وجود ندارد بلکه هزینه‌های این مراکز سرسام‌آور است و در برخی موارد از حقوق بازنشستگی نیز بیشتر می‌شود. بنابراین سالمندان به ناچار مجبور به زندگی در خانواده می‌شوند اگر چه در آن خانواده خشونت وجود داشته باشد.»

## انزوا را دست کم نگیرید

یکی از بدترین اشکال خشونت روانی علیه سالمند منزوی کردن اوست. گاهی فرزندان از داشتن والدینی کم‌سواد یا از طبقه پایین‌تر خجالت می‌کشند. او را با خود به مهمانی نمی‌برند و یا اگر مهمانی بیاید او را مجبور می‌کنند در اتاقش بماند. صادق خان که اهل یکی از شهرهای استان مرکزی است می‌گوید: «من کم‌سوادم. بعضی کلمات را درست ادا نمی‌کنم. بچه‌ها من را مسخره می‌کنند و اصلاً دوست ندارند من را پدر خودشان معرفی کنند. یک بار عروسم به دوستش گفت من باغبان خانه‌شان هستم. من نان کارگری خوردم ولی نان دزدی دست بچه‌هایم ندادم. حالا هم پسرم وقتی می‌خواهد پولی برای دوا و دکتر به من بدهد آن‌قدر منت می‌گذارد که از زندگی سیر می‌شوم.»

صادق خان که در زیرزمین خانه زندگی می‌کند بیمار است و تغذیه مناسبی ندارد و جایی هم سراغ ندارد که پناه ببرد.

آنچه که مسلم به نظر می‌رسد این است که سالمند آزاری در کنار کودک و همسر آزاری در خانواده وجود دارد. اما تا کنون هیچ بررسی خاصی در این زمینه صورت نگرفته است. بنابراین لازم است ضمن توجه ویژه به این حوزه، تمهیدات لازم در جهت کاهش، درمان و پیشگیری از سالمندآزاری فراهم شود.

پیشنهادات ذیل در این خصوص ارایه می‌شود:  
تهیه و تدوین قوانین و مقررات حمایت از سالمند  
تشکیل انجمن حمایت از سالمندان با مشارکت خود آنان  
تشکیل کمیته حذف خشونت علیه سالمندان  
خارج‌سازی حمایت از سالمندان از مرحله ترحم و تغییر نگرش افراد جامعه نسبت به این گروه خاص  
آموزش خانواده‌های دارای سالمند در مورد رعایت نکات ایمنی  
پر کردن زندگی روزانه سالمندان با فعالیت‌های مفید در جهت ارتقاء عزت و اعتماد به نفس آنان  
توجه به بهداشت روانی و جسمانی سالمندان

انجام بررسی‌های علمی در مورد ابعاد و گستردگی سالمندآزاری به منظور حساس‌سازی، آگاهی و اقدامات لازم در سطح جامعه و در نهایت این‌که باید عوامل حمایت‌کننده از افراد به‌ویژه سالمندان در برابر هر گونه خشونت گسترش یافته و در برنامه‌ریزی جهت کاهش انواع گوناگون خشونت و عواقب آن مورد استفاده قرار گیرد.

## خشونت علیه سالمندان در اسناد بین‌المللی و قوانین ایران

Photo: monkeybusinessimages/bigstock.com

موسی برزین خلیفه‌لو، پژوهش‌گر حقوقی

یکی از مصادیق خشونت خانگی را می‌توان خشونت علیه سالمندان دانست. گرچه به روشنی نمی‌توان گفت که نسبت خشونت به سالمندان در درون خانواده بیشتر از خشونت علیه غیر سالمندان است اما قطعاً می‌توان گفت سالمندان بیشتر در معرض خشونت قرار دارند و در صورت قربانی خشونت قرار گرفتن، آسیب‌های بیشتری نسبت به دیگر بزرگسالان متحمل خواهند شد. برای خشونت خانگی علیه سالمندان مصادیق مختلفی می‌توان تصور شد از جمله ترک سالمند توسط اولاد، ضرب و جرح، توهین و دیگر خشونت‌های کلامی، تأمین نکردن هزینه‌های زندگی سالمند، بی‌توجهی به وضعیت بهداشتی سالمند و ممانعت از درمان وی.

نتایج یک **تحقیق** نشان می‌دهد که ۷۸ درصد از سالمندان ایرانی در طول حیات سالمندی خود حداقل یک بار مورد خشونت و آزار و اذیت قرار گرفته‌اند. به هر حال سالمندان به دلیل ضعف جسمی و روانی یا بیماری توانایی انجام بسیاری از کارهای روزمره خود را ندارند. همین امر آن‌ها را آسیب‌پذیر می‌کند. این آسیب‌پذیری زمانی بیشتر می‌شود که حمایت‌های اجتماعی از سالمندان ضعیف باشد. در این صورت سالمند برای امرار معاش محتاج به دیگران خواهد شد. احتیاج به دیگران برای گذران زندگی، بدون شک سالمند را در معرض خشونت قرار می‌دهد. از این رو ضروری است در جامعه ساز و کارهایی برای پیشگیری از خشونت علیه سالمندان و تدابیری در جهت حمایت از آنان پیش‌بینی شود. در این میان قوانین می‌توانند نقش مثبتی را داشته باشند. اتخاذ تدابیر پیشگیرانه، جرم‌انگاری خشونت علیه سالمندان و ترمیم آسیب‌های قربانیان سالمند از مواردی است که حقوق می‌تواند در تحقق آن‌ها نقش به‌سزایی داشته باشد. در این نوشته سعی می‌کنم با اشاره به تلاش‌های بین‌المللی برای مبارزه با سالمندآزاری، نگاهی داشته باشم به قوانین ایران در مورد پدیده خشونت علیه سالمندان.

### تلاش‌های بین‌المللی

در مورد بازپروری و توان‌بخشی سالمندان و همچنین مبارزه با سالمندآزاری تلاش‌هایی در جامعه بین‌المللی صورت گرفته است. گذشته از دقت به سالمندان در قالب اصول کلی برخی اسناد بین‌المللی، سازمان ملل تلاش‌هایی برای حمایت از سالمندان داشته است. از جمله اولین تلاش‌های بین‌المللی تصویب قطعنامه شماره ۹۹۵۲ در سال ۱۹۶۹، قطعنامه ۲۴۸۲ در سال ۱۹۷۱ و قطعنامه ۷۳۱۳ در سال ۱۹۷۹ است. در سال ۲۸۹۱ نیز سندی با عنوان «برنامه اقدام بین‌المللی درباره سالمندی» به تصویب رسیده است. در تمامی این اسناد سالمند و سالمندآزاری مورد توجه قرار گرفته است. ۱.

اما مهم‌ترین سند بین‌المللی در مورد سالمندان در ۶۱ دسامبر ۱۹۹۱ با عنوان «اصول سازمان ملل برای سالمندان» از طرف مجمع عمومی به تصویب رسیده است. این سند از جمله اسناد بین‌المللی غیرالزام‌آور است. در این **سند** به دولت‌ها توصیه‌هایی در مورد حمایت از سالمندان شده است. در این سند توصیه‌هایی در زمینه مراقبت از سالمندان، خوراکی و پوشاک، درمان، کارآموزی و آموزشی، اشتغال،

امنیت، کرامت و شان، سرپناه، حقوق بنیادین و مواردی از این قبیل دیده می‌شود.

از دیگر تلاش‌های بین‌المللی برای حمایت از سالمندان اختصاص سال ۱۹۹۱ به سال بین‌المللی سالمندان است. در این سال برنامه‌ها و اقدامات ویژه‌ای برای حمایت از سالمندان به خصوص مبارزه با سالمندآزاری به عمل آمد. همچنین سازمان ملل روز ۵۱ ژوئن را روز جهانی آگاهی‌بخشی درباره سالمندآزاری نام‌گذاری کرده است. این نام‌گذاری خود نشان‌دهنده لزوم مبارزه با سالمندآزاری است. از آنجا که جمعیت سالمندان جهان رو به افزایش است بنابراین اقداماتی از این دست می‌تواند دولت‌ها را به توجه به پدیده سالمندآزاری تشویق کند.

## حقوق ایران

در حقوق ایران قانون خاصی که به خشونت علیه سالمندان بپردازد وجود ندارد. برخی از انواع سالمندآزاری در قالب مقررات کلی جرم‌انگاری شده است. به عنوان مثال ضرب و جرح سالمند یا توهین به وی در قالب مواد قانون مجازات اسلامی جرم بوده و فرقی بین سالمند و غیرسالمند ندارد. فقط در مواردی وضعیت جسمی سالمند در جنایات مورد توجه قرار گرفته است. (بند پ ماده ۰۹۲ قانون مجازات اسلامی) همچنین تدابیر پیش‌گیرانه و حمایت از قربانیان سالمند خشونت خانگی در قوانین ایران وجود ندارد. گرچه برخی تلاش‌های قانونی در این زمینه شده اما این تلاش‌ها تا کنون عملی نشده است. به عنوان مثال در قانون برنامه سوم توسعه به رسیدگی به وضعیت سالمندان تاکید شده است. در این راستا ماده ۲۲ آیین‌نامه اجرایی جزء (۵) بند (الف) ماده (۲۹۱) این قانون اشاره کرده است که «به منظور پیشگیری از اعمال خشونت علیه افراد سالمند در خانواده و جامعه ضروری است دستگاه‌های ذی‌ربط ضمن پیشنهاد و جلب حمایت‌های قانونی اقدامات لازم را انجام دهند. «با این وجود این مقرر مسکوت مانده و هم‌اکنون نیز به دلیل پایان یافتن مدت اعتبار قانون برنامه سوم دیگر جایگاهی در حقوق ندارد.

با این وجود در برخی از مقررات سالمندان به صورت محدود مورد توجه قرار گرفته‌اند. به عنوان مثال اصل بیست و یکم قانون اساسی دولت را موظف به ایجاد بیمه خاص برای زنان سالخورده کرده است و اصل ۹۲ برخورداری از تامین اجتماعی از نظر بازنشستگی و پیری را حق همگانی دانسته است. بدون شک برخورداری از خدمات اجتماعی رایگان و بهره‌مند شدن از درمان رایگان و همچنین مستمری، تا حد قابل توجهی سالمند را مستقل کرده و مجبور نخواهد کرد که به دلیل امرار معاش خشونت‌های دیگران را تحمل کند. به عبارتی یکی از مهم‌ترین عوامل بازدارنده سالمندآزاری استقلال اقتصادی سالمند است. اگر ساز و کارهایی پیش‌بینی شود که بر اساس آن سالمند درآمد کافی داشته و برای تامین هزینه‌های زندگی محتاج به اولاد یا دیگران نباشد، بدون شک بخشی از سالمندآزاری در جامعه برچیده خواهد شد.

از دیگر مواردی که مورد توجه قانون‌گذار ایران قرار گرفته است جرم‌انگاری ترک نفقه سالمند است. بر اساس قانون مدنی ایران پدر یا مادر از افراد واجب‌النفقه هستند و اولاد موظف هستند که در صورت ناتوانی آن‌ها هزینه‌های‌شان را پرداخت کنند. بر طبق ماده ۳۵ قانون حمایت از خانواده چنانچه فردی با داشتن استطاعت مالی نفقه افراد واجب‌النفقه را پرداخت نکند مجرم بوده و با شکایت شاکی تحت تعقیب قرار می‌گیرد. این جرم‌انگاری شاید موظفین به پرداخت نفقه را از ترک وظیفه باز دارد گرچه در بسیاری از موارد والدین به دلایلی از جمله مسائل فرهنگی از اولاد خود به دلیل ترک نفقه شکایت نمی‌کنند. بنابراین این ماده در عمل نتوانسته است با خشونت اقتصادی اولاد علیه والدین سالخورده مقابله کند.

با توجه به مطالب گفته شده می‌توان گفت که حقوق ایران در مورد پدیده خشونت علیه سالمندان نارسایی جدی دارد و مقررات کنونی به هیچ وجه نمی‌تواند از پدیده سالمندآزاری جلوگیری کند و قربانیان را مورد حمایت قرار دهد.

۱- سالمند آزاری و کیفر آن در نظام عدالت کیفری ایران در پرتو اسناد سازمان ملل متحد- حسن حاجی تبار فیروز جانی- فصلنامه مطالعات پیشگیری از جرم- شماره ۰۲ پاییز ۰۹۳۱ - صفحه ۱۸